



## بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و استعداد‌های علمی - 26 / آبان / 1400

بسم الله الرحمن الرحيم ( ۱ )

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقيّة الله في الارضين.

خوشحالم که بحمدالله امسال این دیدار تحقق پیدا کرد؛ البته سالهای قبل، هر سال با نخبگان دیدار میکردیم، [اما] سال گذشته این توفیق را نداشتیم. و جلسه‌ی امروز هم برای من جلسه‌ی مفیدی بود؛ یعنی از مطالبی که دوستان و عزیزان ما، پسرها و دخترها اینجا بیان کردند، من جداً استفاده کردم. حالا قضاوت کردن در مورد دقت، عمق و صحت بیانات مطلب بعدی است؛ باید انسان بیشتر تأمل کند روی آنچه شما گفتید، اما علی‌العجاله آن چیزی که من اینجا شنیدم برای من قابل استفاده بود و بهره بردم. خیلی متشکرم از دوستانی که زحمت کشیدند بیاناتی را بیان کردند.

چند نکته در باب نخبگی و نخبگان به شما عرض میکنم. اگر مجال شد و وقت بود، چند کلمه هم راجع به شرکتهای دانش‌بنیان در پایان عرایض خواهم گفت.

نکته‌ی اول این است که عزیزان من! نخبگی یک نعمت الهی است، یک موهبت خدایی است و نعمت الهی را باید شکر کرد؛ اول چیزی که در ذهن شما قرار میگیرد این باشد که این نعمت را شکرگزاری کنید. «وَ اشکروا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ» (۲) در سوره‌ی نحل است؛ چند جای دیگر قرآن هم این «وَ اشکروا نِعْمَتَ اللَّهِ» هست؛ این وظیفه‌ی همیشگی است. کیفیت شکر را بعداً در یکی از شماره‌های بعدی که عرض میکنم، عرض خواهم کرد. این نکته‌ی اول که به فکر شکر نعمت نخبگی باشید و این موهبت الهی را شکرگزاری کنید.

نکته‌ی دوم؛ آن چیزی که نخبه را نخبه میکند، صرفاً استعداد و ظرفیت ذهنی نیست. خیلی‌ها هستند استعداد دارند، ظرفیت ذهنی هم دارند و این ضایع میشود، اصلاً بروز پیدا نمیکند یا از آن هیچ استفاده‌ی مناسب و شایسته نمیشود و تبدیل به نخبه نمیشود. آن چیزی که نخبه را نخبه میکند، علاوه‌ی بر استعداد و ظرفیت ذهنی، قدرشناسی از این حقیقت و از این نعمت است؛ از این [نعمت] قدرشناسی بشود و بر اساس آن، کار و تلاش انجام بگیرد. یک انسان بااستعداد و پُرظرفیت اگر این ذهن را به کار نیندازد، از این ظرفیت استفاده نکند، با تنبلی، بی‌حالی، بی‌توجهی و غفلت بگذراند، مسلماً تبدیل به نخبه نخواهد شد. نخبه آن کسی است که قدرشناسی میکند؛ قدر استعداد را میداند، آن را به کار می‌اندازد و با همت بالا و قبول زحمت و قبول مجاهدت، خودش را به یک نخبه تبدیل میکند. حالا این قدرشناسی اولاً به عهده‌ی خود او است، ثانیاً به عهده‌ی محیط است. «محیط» یعنی مجموعه‌ی حکمرانی، مجموعه‌ی مسئولین، در یک برهه‌ای پدر و مادر، در یک برهه‌ای معلم یا استاد دانشگاه؛ اینها باید قدردانی کنند، [اما] عمده‌ی قدرشناسی باید به وسیله‌ی خود نخبه انجام بگیرد.

البته این در مورد شخص نخبه است؛ در مورد کلان کشور هم همین جور است. کشور ما از لحاظ استعداد ذهنی از متوسط جهان بالاتر است؛ این ادعا نیست، این چیز ثابت شده و مسلمی است؛ یعنی ملت ما بالقوه نخبه است. یک بخش مهم جنگ نرم استعمارگران، هم امروز و هم همیشه - امروز هم هست، در گذشته هم بیشتر بوده - عبارت



است از اینکه ملت ما را یا هر ملتی را که دارای استعدادی است، از استعدادِ خودش غافل کنند، او را بی‌اعتنا کنند به آن استعداد یا حتی به وضعی برسانند که خود او منکر این استعداد بشود؛ این قدر بگویند نمیتوانی، نمیتوانی، نمیتوانی که باورش بشود نمیتوانم و خودش بگوید نمیتوانم؛ این یکی از کارهایی بوده که رایج بوده. از اولی که استعمار وارد کشورها شد، یکی از کارها همین بوده. در آفریقا تمدنهای بزرگی وجود داشته -در بخشی از آفریقا، در غرب آفریقا، در نقاط دیگر- که اینها بکلی نابود شده، از بین رفته. نهر (۳) در این خاطراتش، در [کتاب] نگاهی به تاریخ جهان، میگوید که قبل از اینکه انگلیس‌ها وارد هند بشوند، هند از لحاظ صنایع داخلی خودش-صنایع آن روز، اوایل قرن نوزدهم- یک کشور خودکفا بود؛ انگلیس‌ها که وارد شدند، اول کمپانی هند شرقی، بعد هم دولت انگلیس، وضع را به جایی رساندند که هندی‌ها احساس میکردند که جز با مصنوعات انگلیسی و خارجی امکان زندگی وجود ندارد؛ انکار توانایی‌های یک ملت. در کشور خود ما هم همین جور است؛ ما تقریباً بیش از دویست سال به این بلیه مبتلا بودیم، تا قبل از انقلاب اسلامی. شنیده‌اید که وقتی بحث ملی شدن نفت مطرح شد که ایرانی‌ها نفت دارند و خودشان نفت را اداره کنند و مانند اینها، نخست‌وزیر دوره‌ی طاغوت در مقام انتقاد از این فکر میگفت که ایرانی‌ها برونند لوله‌نگ بسازند! (۴) لوله‌نگ را شماها ندیده‌اید؛ لوله‌نگ یعنی آفتابه‌ای که حتی با حلبی ساخته نمیشود، با گل ساخته میشود. آن قدیمها، زمان نوجوانی و بچگی ما، هنوز لوله‌نگ بود؛ آفتابه‌ای که با گل درست میشود. [میگفت] ایرانی‌ها برونند لوله‌نگ درست کنند! یعنی یک ملت را به اینجا میرسانند.

وقتی که غفلت از توانایی خود بر ملتی حاکم شد، غارت آن ملت آسان میشود. ببینید، غفلت و غارت مکمل هم هستند؛ غفلت مقدمه‌ی غارت است، غارت افزایش‌دهنده‌ی غفلت است؛ غفلت و غارت با همدیگر همراهند. این در مورد کشورهایی که مستقیم تحت استعمار بودند صدق میکند، در مورد جایی مثل کشور ما که استعمار مستقیم هم نشده صدق میکند؛ لذاست که میخواهند غافل باشیم. در قرآن، بحث غفلت چیز جالبی است؛ کاملاً صریح مسئله‌ی غفلت مطرح شده. در این مسئله‌ی صلاة خوف [آمده که] «وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً»؛ (۵) دشمن میخواهد شما غافل بشوید از سلاحتان و از دارایی‌هایتان. بحث پهباد و موشک و مانند اینها را که می‌بینید این روزها چطور در دنیا به عنوان یک مسئله‌ی اساسی و مهم مطرح میشود؛ [دشمن] میخواهد شما از اینها غفلت کنید، از این توانایی چشم‌پوشید تا بتواند راحت به شما حمله کند. این مربوط به این قضیه. خب حالا مسئله‌ی موشک ما را از مسئله‌ی نخبه‌ها دور نکند.

نکته‌ی بعدی در مورد نخبگی و نخبگان، بحث احساس مسئولیت نخبگان است؛ احساس مسئولیت. البته دستگاه حکمرانی کشور نسبت به وضع نخبه مسئولیتهای مهمی دارد -در این تردیدی نیست و امیدواریم که ان شاء الله مسئولین کشور، خود بنده و دیگران، بتوانیم به این مسئولیتمان به بهترین وجهی عمل بکنیم- لکن شخص نخبه و جوان نخبه هم در قبال مسائل کشور باید احساس مسئولیت بکند و گاهی لازم است که جوان نخبه با سختی‌ها هم بسازد؛ این یکی از آن نکات اخلاقی بسیار مهم است که باید مورد توجه باشد. این برداشت که همه چیز باید آماده باشد و در جای خود باشد تا نخبه بتواند کار بکند، برداشت درستی نیست؛ گاهی بایستی با موانع مبارزه کنید، که در حرفهای بعضی از دوستان هم بود. البته نامهربانی‌هایی دیده میشود؛ در دستگاه‌های مختلف اداره‌ی کشور و حکمرانی کشور، نسبت به نخبگان گاهی نامهربانی میشود؛ این را ما میدانیم، مطلعیم، اما اینها نبایستی نخبه را از ادامه‌ی راه و از فعالیت و از تلاش منصرف بکند و نباید دلسرد بشوند. بعضی‌ها میگویند که «آقا! فلان اداره رفتیم، فلان دانشگاه رفتیم، با ما این جوری برخورد کردند»؛ اینها نباید نخبه را دلسرد کند؛ باید احساس مسئولیت کند، تلاش کند، دنبال کند. این همان شکری است که اشاره کردم؛ شکر نعمت نخبگی از جمله همین است. بایستی



شکر کند؛ شکر عملی این است که تلاش کند، فعالیت کند. البته بخش دیگری از شکر هم این است که توجه داشته باشد که این نعمت نخبگی را خدای متعال به او داده و هر نتیجه‌ای که بر نخبگی مترتب می‌شود، [باید] در جهت اراده‌ی الهی و در جهت رضای الهی قرار بگیرد که البته این خیلی مهم است و جهت‌دهی می‌کند به حرکت نخبه.

یک نکته‌ی دیگری که در باب نخبگان وجود دارد این است که نخبه‌ی علمی -حالا بحث ما سر نخبگان علمی است- بایستی به آن آینده و افقی که برای علم در کشور ترسیم شده چشم بدوزد و به آن توجه داشته باشد. ما گفتیم که باید جوری حرکت بکنیم که در یک فاصله‌ی معقول زمانی -بنده چند سال قبل (۶) گفتم پنجاه سال بعد- ایران در دنیا منبع علم محسوب بشود؛ یعنی اگر کسانی بخواهند به جدیدترین یافته‌های علمی دست پیدا کنند، ناچار بشوند فارسی یاد بگیرند. این یک آینده‌ی ممکن است؛ این را تعجب نکنید. یک روزی در دنیا همین جوری بوده؛ دانشمندان ما یک روزی، در یک برهه‌ای از تاریخ، در قله‌ی دانش دنیا قرار داشتند؛ کتابهای آنها در همه‌ی دانشگاه‌های دنیا، در دانشگاه‌های غرب و دانشگاه‌های شرق -یعنی هند و چین و مانند اینها که آن وقت دانشی هم داشتند- مورد توجه و مورد استناد قرار می‌گرفته. ما باید چشم به این افق [بدوزیم].

البته مراحل دارد. مرحله‌ی اول این است که ما امروز فاصله‌ی خودمان را با مرز دانش جهان پُر کنیم؛ ما فاصله داریم. ما البته در آمارهایمان که متکی به آمارهای جهانی است، پیشرفت علمی خودمان را ستایش می‌کنیم، قابل ستایش هم هست و واقعاً پیشرفت داشته‌ایم، منتها فاصله‌مان با خطوط مقدم علم در دنیا زیاد است. دویست سال ما را عقب نگه داشتند؛ بعد از پیروزی انقلاب یک حرکتی انجام گرفته، از حدود دو دهه قبل یک حرکت سریع‌تری شروع شده و پیشرفتهای خوبی کرده‌ایم، لکن هنوز فاصله‌مان زیاد است؛ مرحله‌ی اول این است که این فاصله را پُر کنیم. مرحله‌ی دوم این است که از خطوط دانش جهانی و مرز دانش جهانی عبور بکنیم؛ یعنی بتوانیم خدمات جدید علمی و کشفیات جدید علمی را به دنیا عرضه بکنیم که حالا در مورد این، من یک نکته‌ای هم بعداً عرض خواهم کرد. و مرحله‌ی بعد هم این است که دنبال تمدن نوین اسلامی باشیم. یقیناً یکی از پایه‌های مهم هر تمدنی علم است -علم نافع- و ما که تکرار می‌کنیم «تمدن نوین اسلامی»، (۷) قطعاً یکی از پایه‌های پیشرفت علمی است؛ ما خودمان را آماده کنیم برای آن. اگر چنانچه چشم شما به عنوان نخبه به این افق باشد، قهراً حرکت علمی شما جهت درست خواهد داشت و همین مشکلاتی که گاهی گفته می‌شود -بحث مقاله و این چیزها که دوستان ذکر کردند- اینها دیگر از بین خواهد رفت؛ یعنی جهت صحیح مشخص خواهد بود و پیشرفت درستی پیدا خواهد شد.

و اما آن نکته‌ای که گفتم اشاره می‌کنم، بحث آفرینش علمی است؛ این مهم است. امروز کارهای علمی زیادی در کشور می‌شود، اما این کارها غالباً متفرعات بر آفرینش علمی دیگران است؛ فرض بفرمایید که نیروی انرژی هسته‌ای را مثلاً کسی کشف کرده، ما امروز داریم روی این کار می‌کنیم. آنچه نیاز هست و بایستی انجام بگیرد آفرینش علم است؛ باید خلاق باشید، باید تولید کنید علم را که غالباً از کشف یک نیرویی در طبیعت به وجود می‌آید؛ یعنی نوآوری در علم ناشی از این است که یک ناموسی را، یک قانونی را که در طبیعت وجود دارد و تا امروز کشف نشده، شما کشف می‌کنید، بر اساس آن تولید علم می‌شود، بر اساس آن فناوری‌های متعددی به وجود می‌آید. باید دنبال این باشیم؛ یعنی جوان نخبه‌ی ما باید دنبال این باشد: خلاقیت در دانش. فرض بفرمایید که مثلاً نیروی جاذبه وجود داشت -حالا مثالهای قدیمی‌اش اینها است دیگر؛ از قدیم این مثالها را می‌زدیم- یکی این را کشف کرد و بر



اساس آن دانشهایی به وجود آمد. نیروی الکتروسیسته در طبیعت عالم وجود داشت، کسی آن را نمی‌شناخت، یک کسی کشف کرد، بر اساس آن، این عرصه‌ی عظیم علم و فناوری به وجود آمد. یا در بخشهای بعدی و در مسائل جدید، نانو از این قبیل است، مسئله‌ی ستول‌های بنیادی از این قبیل است، مسئله‌ی انرژی هسته‌ای از این قبیل است. کشف یک حقیقتی در طبیعت، کشف یک سنتی، یک ناموسی، یک عنصری در طبیعت الهی و صنع الهی موجب میشود که شما به یک نکته‌ی علمی پی ببرید، آن نکته علم خواهد بود، تدوین میشود، گسترش پیدا میکند، منتهی میشود به فناوری و مانند اینها.

یک نکته‌ی دیگری که در باب نخبگان وجود دارد و من قبلها هم یک وقتی به این اشاره کردم، ( ۸ ) این است که یکی از هدفهای جامعه‌ی علمی کشور - نه فقط نخبگان، [بلکه] همه‌ی جوامع علمی؛ البته در مورد نخبگان این بیشتر مورد نیاز است - این است که باید به مسائل کشور فکر کنند، مسئله‌محور کار کنند؛ مسئله‌محوری مهم است. کشور مسائل اساسی‌ای دارد؛ باید به اینها توجه کرد، اینها بایستی از طرق علمی و با روش علمی حل بشوند؛ راه حل دارد. الان همین جا دوستان ما چند مورد از این مسائل را مطرح کردند و برایش راه حل ذکر کردند. [البته] عرض کردم که داور در مورد این راه حل‌ها احتیاج به تأمل و دقت دارد، اما میتوان برای همه‌ی مشکلات کشور راه حل علمی پیدا کرد که بتوان با اطمینان دنبال حل مسئله و حل مشکل بود.

از باب مثال، از موضوعات مبتلابه امروز ما فرض بفرمایید مسئله‌ی آب در کشور است؛ یک مسئله است دیگر. مسئله‌ی کشور، مسئله‌ی آب است و مسئله‌ی آب در آینده‌ی خیلی نزدیکی به مسئله‌ی مهم‌تری هم در سطح دنیا تبدیل خواهد شد. خب برای این یک فکر علمی باید بشود. یا مسئله‌ی محیط‌زیست و حتی مسئله‌ی ترافیک؛ مسئله‌ی ترافیک، یک مشکلی در زندگی است. شما از یک گوشه‌ی تهران حرکت میکنید تا یک قسمت دیگر، باید یک ساعت، یک ساعت و ربع سوار ماشین باشید با این گرفتاری‌ها؛ خب این راه حل دارد؛ باید از طریق علم راه حل این را پیدا کرد. آسیب‌های اجتماعی، مسئله‌ی اعتیاد، مسئله‌ی طلاق، مسئله‌ی حاشیه‌نشینی، مسئله‌ی هجرت از روستاها و تخریب روستاها، اینها همه راه حل دارد. یک وقت هست که مدیری دلسوزی ندارد، اصلاً نمیخواهد به این مسائل نگاه کند، آن محل بحث نیست؛ اما وقتی فرض بر این است که مدیران میخواهند مسئله را حل بکنند، خب برای این باید راه حل علمی پیدا کرد و قطعاً راه حل دارد. یا مسائل اداری کشور، مشکلات نظام پولی، نظام مالی، مشکل نظام مالیاتی، مشکل بانک‌ها، موانع رشد تولید که ما امسال گفتیم «برداشتن موانع»، ( ۹ ) راه حل علمی دارد؛ اینها بایستی از طریق علم روشن بشود - که من بعداً یک اشاره‌ای هم باز به این خواهم کرد - و دهها مسئله‌ی دیگر؛ یعنی روی مسئله فکر کنید.

یک گزارشی به من دادند گفتند در بعضی از کشورهای پیشرفته‌ی دنیا دانشگاه‌ها غالباً غیر دولتی است، دانشگاه‌ها خصوصی است، ولی همین دانشگاه‌های غیر دولتی بودجه‌ی فراوانی از دولت‌ها میگیرند؛ چه جور؟ نه اینکه بیایند همین طور فله‌ای پول بدهند برای دانشگاه؛ نه، مسئله تعریف میکنند برای دانشگاه و از آن دانشگاه جواب مسئله را میخواهند، هر مقداری که آن دانشگاه توانست این مسئله را برای آنها حل کند، درآمد مالی از ناحیه‌ی دولت و حاکمیت خواهد داشت. خب این خیلی خوب است؛ یعنی مسئله‌محوری در زمینه‌ی کارهای علمی و کارهای نخبگان، چیز مهم و لازمی است.

خب من در ذیل این مسئله‌محوری که عرض کردیم، اتفاقاً بحث هوش مصنوعی را نوشته‌ام که امروز یکی از دوستان



درباره‌ی آن صحبت کردند؛ من پیشنهاد میکنم یکی از مسائلی که مورد تکیه و توجه و تعمیق واقع میشود، مسئله‌ی هوش مصنوعی باشد که در اداره‌ی آینده‌ی دنیا نقش خواهد داشت؛ حالا یا در معاونت علمی رئیس‌جمهور یا در دانشگاه باید کاری کنیم که ما در دنیا حداقل در [بین] ده کشور اول در مورد هوش مصنوعی قرار بگیریم که امروز نیستیم؛ امروز کشورهایی که درجه‌ی اول در مسئله‌ی هوش مصنوعی هستند، حالا غیر از آمریکا و چین و مانند اینها که در رده‌های بالا هستند، بعضی از کشورهای آسیایی هم هستند، بعضی کشورهای اروپایی هم هستند [اما] ما نیستیم؛ البته کشورهای آسیایی ظاهراً بیشتر هم هستند؛ در آن ده رتبه‌ی اول، تعداد کشورهای آسیایی بیشتر است. باید کاری کنیم که حداقل به ده کشور اول دنیا در این مسئله برسیم.

یک نکته‌ی دیگری که در باب نخبگان وجود دارد بحث مهاجرت است که امروز هم در یکی از صحبتها یک اشاره‌ی شد. خوب یک وقت هست که یک دانشجویی بر اساس نیازهایش، بر اساس نیازهای فکری‌اش یا بحث خانوادگی‌اش مایل است برود در یک کشوری تحصیل کند؛ این اشکالی ندارد؛ یعنی بنده بارها گفته‌ام که این مانعی ندارد؛ عمده این است که فراموش نکند که بدهکار کشورش است و درس بخواند و برگردد بیاید؛ لکن آن چیزی که اشکال دارد مهاجرفرستی است. به بنده گزارش داده‌اند - البته مال امروز هم نیست، مدتها است یک چنین چیزی وجود دارد - که در بعضی از دانشگاه‌ها عناصری هستند که جوان نخبه را به ترک کشور تشویق میکنند؛ من صریح میگویم که این خیانت است؛ این دشمنی با کشور است؛ دوستی با آن جوان هم نیست. امروز در کشور ما جوانهای نخبه میتوانند رشد کنند و در برهه‌هایی هم میتوانند بروند از یک کشور دیگر استفاده کنند و برگردند اما اینکه ما یک جوانی را نسبت به آینده‌ی کشور ناامید کنیم، دلسرد کنیم، آینده را تلخ و سیاه به او نشان بدهیم که او برود و مهاجرت کند، این را من واقعاً یک خیانتی میدانم که بایستی دنبال کنیم.

[در مورد] مسئله‌ی مانع‌زدایی از تولید - که گفتم اشاره خواهم کرد و شعار امسال هم هست - آنچه من اینجا یادداشت کرده‌ام این است که مهم‌ترین موانع تولید، بیش از موانع عملیاتی و مادی و مانند اینها، موانع فرهنگی است؛ یعنی احساس ناامیدی، احساس ناتوانی، احساس بی‌آینده بودن، بی‌حوصلگی، بی‌همتی، سرگرمی‌های مضر؛ یعنی اینها چیزهایی است که واقعاً مانع پیشرفت کار تولید است. یعنی جوان ما که میتواند فرضاً یک شرکت دانش‌بنیان به وجود بیاورد و یک بخش مهمی از کارها را انجام بدهد، هم خودش درآمد پیدا کند، هم به کشور فایده برساند، به جای اینکه بیاید دنبال کار و تلاش و زحمت و این حرفها، میرود سراغ سرگرمی‌های زائد؛ خیلی‌ها سرگرم به رایانه و مانند اینها میشوند؛ غالباً الان شب تا صبح یا صبح تا شب، تا هر چه بتوانند در اینترنت بیخودی، بی‌فایده، بی‌هدف میگردند؛ بدون اینکه هیچ سودی عاید بشود. راحت‌طلبی، نداشتن همّت، نداشتن خطرپذیری؛ اینها چیزهایی است که مانعهای اساسی تولید است.

[اما] راجع به شرکتهای دانش‌بنیان؛ خوب خوشبختانه رشد خوبی داشته. البته من در آمارها حدود شش هزار شرکت در ذهنم بود، امروز آقای دکتر ستاری (۱۰) گفتند هفت هزار شرکت؛ خیلی خوب است، بحمدالله این کار مهمی است که انجام گرفته، باید افزایش هم پیدا کند، منتها در مورد [ضوابط] افزایش، گمان میکنم بنده قبلاً هم در همین جلسه گفته‌ام، که سخت‌گیری بشود در رعایت ضوابط دانش‌بنیان بودن؛ (۱۱) یعنی این جور نباشد که خیلی آسان کمیّت را بالا ببریم و کیفیت کار مورد توجه نباشد؛ دانش‌بنیان بودن ضوابطی دارد، این ضوابط بایستی رعایت بشود.

البته صنایع بزرگ ما در کشور دانش‌بنیان نیستند، این عیب بزرگی است. افرادی که ظاهراً صاحب صلاحیتند، به من





این جور گفتند که این شرکتهای دانش بنیان کوچک میتوانند تأثیر بگذارند و آن صنایع بزرگ کشور مثل صنایع خودروسازی و امثال اینها را هم دانش بنیان کنند؛ اگر این کار ممکن باشد، حتماً بایستی انجام بگیرد.

یک شرط لازم برای رشد و تقویت شرکتهای دانش بنیان، این است که ما بتوانیم محصولات آنها را در داخل کشور رایج کنیم -حالا بحث خارج کشور و صادرات را هم بعد عرض میکنم- و در داخل خود کشور مصرف بشود؛ راهش [هم] این است که تولیدی که او میکند، دیگر واردات نداشته باشد. باز یک عده‌ای مثل قضیه‌ی لوازم خانگی، جنجال نکنند که چرا شما گفتید که مثلاً فرض کنید لوازم خانگی فلان کشور را نیاورند؛ نه، لازمه‌ی رشد شرکتهای داخلی و تقویت آنها، که بتوانند روی پای خودشان بایستند، این است که ما برای اینها بازار در داخل [درست کنیم]. بازار داخل، بازار کوچکی نیست؛ این بازار را در اختیار تولید داخلی باید گذاشت؛ بخصوص دولتها و سازمانهای بزرگ که بزرگ‌ترین مشتری اینها هستند. دولتها که بیشترین مصرف‌کننده‌ی این به اصطلاح صنایع و تولیدات صنعتی و مانند اینها هستند، از این دانش بنیان‌ها تهیه کنند و تولیدات داخلی را استفاده کنند، تا دیگر واردات کمر اینها را نشکند. البته وقتی که ما میگوییم جلوی واردات گرفته بشود، در واقع برای کمک به کارخانه‌ی داخلی و بنگاه داخلی داریم حرف میزنیم؛ آن بنگاه داخلی هم وظایفی دارد، آنها هم باز قیمتها را گران نکنند، کیفیت را پایین نیاورند تا بکلی آن توصیه‌ای که شده بی‌فایده بشود.

پس بنابراین یک مسئله، مسئله‌ی بازارهای داخلی است، یک مسئله هم مسئله‌ی صادرات است؛ اگر چنانچه صادرات وجود نداشته باشد، پیشرفتی آن چنان که باید، پیش نخواهد آمد. و در مورد صادرات، هم خود آن شرکتهای میتوانند فعالیت کنند و بیشتر، دولتها میتوانند فعالیت کنند؛ وزارت خارجه، وزارت صمت و بقیه میتوانند در این زمینه کمک کنند و بازارهای خارجی را [پیدا کنند]. صدا و سیما میتواند کمک کند؛ بعضی از کشورها هستند که از ایران خاطره‌های خوبی دارند اما اگر بگویند دو محصول ایرانی را اسم بیاورید نمیتوانند اسم بیاورند. صدا و سیما در بخش خارجی، این محصولات را تبلیغ کند و گفته بشود. پس بنابراین این هم یک مسئله است.

و یک مسئله‌ی دیگر هم این است که به بنده گفته شد از قول آقای دکتر ستاری که سهم شرکتهای دانش بنیان از تولید ناخالص ملی کمتر از یک درصد است؛ خب این خیلی کم است. حتماً بایستی این سهم از تولید داخلی افزایش پیدا کند. حالا در طول سه سال، چهار سال، اقلًا به پنج درصد برسد؛ این کار را باید همّت کنند که ان شاء الله تلاش بشود. و امیدواریم ان شاء الله خداوند به همه‌ی شما کمک کند. (نزدیک اذان است و من هم عرایض را تمام میکنم.)

امیدوارم ان شاء الله خداوند به شماها توفیق بدهد. آینده مال شما است؛ این را بدانید. این کشور متعلق به شماها است؛ شما هستید که فردای این کشور را میسازید، و مدیران فردای کشور هم شماها هستید. خودتان را آماده کنید و کشور را هم آماده کنید؛ میتوانید. من البته برای استفاده‌ی از جوانهای نخبه به مسئولین، وزرا [سفارش میکنم]؛ من به دولت قبل هم خیلی سفارش میکردم -که در یک مواردی هم بی‌تأثیر نبود- به این دولت هم همین جور، که از جوانها در مدیریتهای گوناگون -همان مدیریتهای میانی و مدیریتهای پایین که نقش مهمی هم دارد و یکی از دوستان [هم] اینجا گفتند- استفاده بشود؛ حتی در مدیریتهای سطح بالا هم همین جور. من سفارش میکنم و ان شاء الله این کار تحقق پیدا کند، منتها شما هم خودتان را باید آماده کنید، جای خودتان را پیدا کنید؛ خودتان پیدا کنید که در پیشرفت کشور چه نقشی میتوانید ایفا کنید. نخبگی شما اینجا هم باید خودش را نشان بدهد که مشخص



کنید جایگاه شما کجا است؛ در آن جایگاه قرار بگیرید و تلاش کنید و کار کنید.

امیدواریم ان شاء الله خدای متعال شماها را حفظ کند؛ شماها نور چشمان کشور و ملت هستید و فرزندان عزیز ملت هستید؛ ان شاء الله خداوند شما را برای این کشور نگه دارد. ان شاء الله ارواح طیبه‌ی شهدای بزرگوارمان و روح مطهر امام بزرگوارمان از ما راضی باشند، و همه‌ی شما و ما مشمول ادعیه‌ی زاکیه‌ی حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) باشیم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(۱). در ابتدای این دیدار، آقای سورنا ستاری (معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور) گزارشی ارائه کرد. همچنین شش تن از نخبگان به بیان دیدگاه‌ها و مطالب خود پرداختند.

(۲). سوره‌ی نحل، بخشی از آیه‌ی ۱۱۴؛ «... و نعمت خدا را اگر تنها او را میپرسید، شکر گزایید.»

(۳). جواهر لعل نهرو (اولین نخست‌وزیر هند و از رهبران جنبش استقلال هند)

(۴). سپهبد حاجعلی رزم‌آرا، نخست‌وزیر وقت رژیم پهلوی که در تیرماه سال ۱۳۲۹ به این سمت رسیده بود، در برخوردی مستبدانه با برخی از نمایندگان مجلس، در پاسخ به درخواست آنها مبنی بر ملی شدن صنعت نفت، برای اثبات ناتوانی ملت ایران از اداره‌ی منابع نفتی خویش فریاد زد: «ملتی که لیاقت لوله‌نگ‌سازی ندارد چگونه میتواند صنعت نفت را اداره کند؟»

(۵). سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۱۰۲؛ «... کافران آرزو میکنند که شما از جنگ‌افزارها و ساز و برگ خود غافل شوید تا ناگهان بر شما یورش بَرند. ...»

(۶). از جمله، بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان سراسر کشور (۱۳۸۴/۷/۳)

(۷). از جمله، پیام به ملت ایران به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

(۸). از جمله، بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها (۱۳۹۷/۳/۲۰)

(۹). اشاره به شعار سال ۱۴۰۰: «تولید؛ پشتیبانی‌ها و مانع‌زدایی‌ها»

(۱۰). معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور

(۱۱). از جمله، بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و استعدادهای برتر علمی کشور (۱۳۹۶/۷/۲۶)